

یادداشت سردبیر

دکتر محمد رضا حافظ نیا

مفهوم جدیدی از هارتلند

اصطلاح «هارتلند» یک مفهوم قدیمی است که توسط پروفیسور هلفورد مکیندر دانشیار جغرافیای دانشگاه آکسفورد و رئیس دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن، طی سخنرانی‌اش در محل انجمن جغرافیایی سلطنتی انگلستان در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۰۴م ابراز شد (Mackinder, 1904: 431). او این اصطلاح را در نظریه «محور جغرافیایی تاریخ» که موضوع سخنرانی مزبور از نظر جغرافیایی منطبق بر فضایی می‌دانست که خارج از دسترس خطوط کشتیرانی بود و بین رودخانه ولگا و سبیری شرقی و همالیا و دایره قطب شمال قرار داشت (Dikshit, 1995: 102). او با نگاهی جهانی، برای کره زمین ساختار فضایی سه بخشی قائل بود که کانون آن را هارتلند تشکیل داده و پس از آن به ترتیب هلال داخلی و هلال خارجی قرار داشت. او بین این ساختار و روابط قدرت در منازعه قدرتهای بری و بحری آن دوره، ارتباط قائل بود و معتقد بود که کنترل و تسلط بر هارتلند از سوی هر قدرتی بویژه قدرت بری می‌تواند به تسلط بر جهان منتهی شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۳۷).

اگرچه فضاها و مکانهای جغرافیایی به طور کلی دارای نقش آفرینی سیاسی می‌باشند، ولی این نقش آفرینی در بعد زمانی و مکانی دارای شدت و ضعف است. بنابراین نقش آفرینی سیاسی فضاها و مکانهای جغرافیایی اولاً به یک اندازه نیست، ثانیاً طی زمان ثابت نمی‌باشد و با توجه به اوضاع و احوال دچار تحول می‌شود.

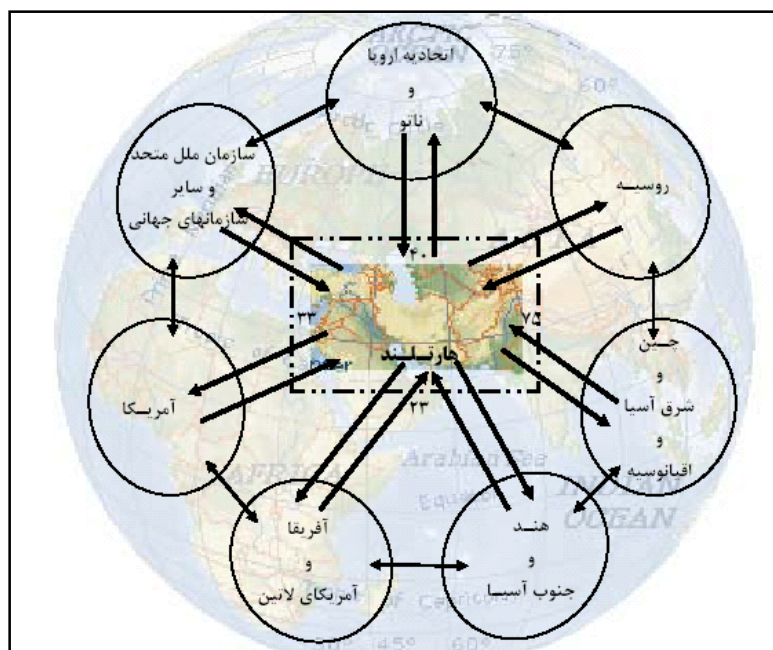
اصطلاح «هارتلند» به عنوان یک مفهوم ژئوپلیتیکی می‌تواند به این معنی باشد که یک مکان یا فضای جغرافیایی از حیث نقش آفرینی سیاسی آنچنان قوی عمل کند که بتواند تاثیر جهانی داشته، یا سیاستهای جهانی را تحت تاثیر قرار دهد و یا اینکه بر فرایندهای سیاسی جهان اثر بگذارد و به آنها شکل بدهد و یا اینکه مدعیان قدرت در مقیاسهای جهانی، منطقه‌ای و محلی برای کنترل و تسلط بر آن به رقابت بپردازند تا بتوانند سلطه و اقتدار خود را بر سیاستهای کروی و جهانی یا منطقه‌ای نسبت به دیگران حفظ نموده و ارتقاء ببخشند. بنابراین مفهوم هارتلند هم به لحاظ اهمیت و نقش آفرینی سیاسی و هم به لحاظ تطبیق فضایی - مکانی در بستر زمان ثابت نبوده و متغیر می‌باشد.

نگارنده بر این باور است که «هارتلند» به مفهوم فضای جغرافیایی که سیاستهای جهانی را متأثر نموده و از نقش آفرینی سیاسی بسیار قوی در شکل‌گیری فرایندهای سیاسی کروی برخوردار است و نیز از لحاظ مکانی - فضایی بویژه از اواخر دوران جنگ سرد دچار تحول شده است و محل آن تغییر

¹ - London school of Economics and Political Sciences

^۲ - به نقل از: The Geographical journal (GJ), Vol.170, No4, Dec 2004

نموده و در حال حاضر بر جنوبغرب آسیا تطبیق می‌نماید که شامل کشورهای پاکستان، افغانستان، ایران، عراق، کویت، ترکیه، سوریه، اردن، لبنان و مناطق شرق مدیترانه، قفقاز، خزر و خلیج فارس می‌باشد.



موقعیت هارتلند جدید در جهان

- از عوامل مؤثر بر تغییر مکان تدریجی هارتلند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- ۱- تثبیت قلمروهای ژئواستراتژیک دوران جنگ سرد و ایجاد موازنه ژئوپلیتیک بین ابرقدرتهای دوره جنگ سرد (آمریکا و شوروی) با اجرای کمربند محصور سازی^۳ و ممانعت از نقش‌آفرینی سیاسی هارتلند مورد نظر مکیندر؛
 - ۲- اهمیت‌یابی ریملند به جای هارتلند مکیندر و تبدیل شدن آن به قلمرو رقابت دو اردوگاه شرق و غرب؛
 - ۳- ظهور ایدئولوژی دینی در پی بروز انقلاب اسلامی به عنوان رقیب ایدئولوژیهای مسلط دوران جنگ سرد؛
 - ۴- خروج فضای جغرافیایی فلات ایران از حوزه نفوذ اردوگاه غرب و آمریکا در پی سقوط رژیم شاه در ایران و اشغال افغانستان توسط شوروی سابق و در نتیجه به هم خوردن موازنه‌های ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک؛

- ۵- فروپاشی نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد و سیال شدن ژئوپلیتیک جهان و حادث شدن دوره گذار ژئوپلیتیک؛
- ۶- رشد اقتصادی جهان و اعتباریابی بیشتر انرژیهای فسیلی نفت و گاز؛
- ۷- رشد ایدئولوژیهای دینی و نقش آفرینی سیاسی ادیان و مذاهب؛
- ۸- حادثه ۱۱ سپتامبر و آسیب پذیر شدن فرضیه دژ آمریکای شمالی.
- هارتلند جدید در جنوب غربی آسیا، فضای جغرافیایی مستطیلی شکلی را در برمی گیرد که تقریباً بین مدارات ۲۳ تا ۴۰ درجه شمالی و نصف النهارات ۳۳ تا ۷۵ درجه شرقی قرار گرفته و از شرق مدیترانه تا فلات پامیر و جلگه های سند و پنجاب کشیده می شود. این منطقه نقش فوق العاده ای در فرایندهای سیاسی و شکل گیری سیاست جهانی از خود بجای می گذارد و سایر فضاها و سیستمهای بین المللی را متاثر می کند.
- هارتلند جدید در جنوب غرب آسیا دارای اختصاصات زیر است:
- ۱- در سطح اتصال قلمروهای ژئواستراتژیک قدرتهای رقیب جهانی قرار گرفته است یعنی قلمروهای آمریکایی، روسی، چینی و هندی همراه با توان اتمی، حلقه پیرامونی آنرا تشکیل می دهند و این منطقه به صورت منطقه حائل و رقابت عمل می کند که هر کدام سعی بر تسلط بر آن و بازدارندگی دیگران را دارند؛
- ۲- بیشترین ذخایر انرژی فسیلی جهان (نفت و گاز) که نیروی محرکه صنعت و اقتصاد جهانی را تشکیل می دهد در فضای آن جای دارد (خلیج فارس و خزر)؛
- ۳- الگوی پیچیده ای از مداخله و رقابت بازیگران در مقیاسهای جهانی، منطقه ای و محلی در آن شکل گرفته و کنش متقابل و پیوند بین مداخله گران و عناصر سیاسی - فضایی آن تاثیر متقابل آنها را منعکس می سازد؛
- ۴- در سطح اتصال سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا قرار گرفته و در شکل گیری تعاملات فضایی بین آنها نقش آفرینی می نماید.
- ۵- الگوی جدیدی از سلطه و استعمار با استراتژی کاربرد قدرت نظامی و اعمال مدیریت سیاسی فضا توسط قدرت جهانی در آن شکل گرفته است (اشغال نظامی افغانستان و عراق توسط آمریکا)؛
- ۶- فضای هارتلند جدید از تضادها و تعارضات سیاسی - فضایی برخوردار است که الگوهای رقابت، تعارض، بحران و ناامنی را تجربه می نماید و به تولید مسائل و مشکلات برای جهان و امنیت بین المللی کمک می کند؛

- ۷- فضای هارتلند در چارچوب کشورها از گسیختگی برخوردار است و نقش سیاسی هر کدام در کنش متقابل با یکدیگر و نیز با سیستمها و بازیگران فرامنطقه‌ای و جهانی متفاوت است؛
- پاکستان به دلیل ساختار انسانی و جمعیتی به عنوان سرچشمه ایدئولوژیکی شکل‌گیری نیروهای افراطی و غیر قابل کنترل و نیز کانون صدور آن شناخته می‌شود که احتمالاً نقش آن در آینده از این حیث توسعه خواهد یافت. همچنین متحد استراتژیک چین و آمریکا در مسائل منطقه‌ای و دارای توان اتمی در رابطه با رقیب خود یعنی هند شناخته می‌شود.
 - افغانستان به عنوان فضای جغرافیایی بحران‌زده، عقب مانده و فاقد حاکمیت، کانون اصلی تولید و پخش مواد مخدر و نیز پناهگاه تروریسم بین‌المللی و زادگاه سازمان القاعده شناخته می‌شود که بر همین اساس پس از واقعه ۱۱ سپتامبر مورد تهاجم نظامی آمریکا قرار گرفت.
 - ایران با انقلاب اسلامی خود که داعیه جهانی شدن و رستگاری ابناء بشر را دارد و بر سیاسی شدن پیروان ادیان و مذاهب در جهان تاثیر گذاشت با مسأله اتمی و نیز موقعیت ژئوپلیتیک منحصر بفرد خود در مجاورت ذخایر عمده انرژی‌های فسیلی (خزر و خلیج فارس) سیاست جهانی را متاثر می‌نماید.
 - عراق با وضعیت بحرانی خود و ساختار گسیخته سیاسی - فضایی و نقش آمریکا و متحدانش در آن برای مردم جهان و سیاست جهانی شناخته شده است.
 - بحران پیچیده شرق مدیترانه و نقش بازیگران محلی چون سوریه، لبنان، اسرائیل و فلسطینیان و در ارتباط با بازیگران و مداخله‌گران منطقه‌ای و جهانی از ریشه عمیق و ابعاد گسترده‌ای برخوردار بوده و مورد توجه پیروان ادیان بزرگ جهان نیز می‌باشد و تاثیر آن بر سیاست جهانی بدیهی است.
 - ترکیه و منطقه قفقاز نه تنها با بحرانهای محلی و درونی چون ارامنه، آذربایجان، گرجستان و کردها روبروست، بلکه با موقعیت ژئواستراتژیک خود از منظر پیمان ناتو و نیز تردید هویتی در ارتباط با آسیایی بودن یا اروپایی بودن و یا هر دو همچنان مورد توجه سیاست جهانی می‌باشند.
- بنابراین اجزاء درونی هارتلند جدید هر کدام به نوعی با سیاست جهانی دارای تعامل و کنش متقابل می‌باشد و هر کدام دارای کارکردها و ویژگیهای سیاسی خاص خود می‌باشد.
- بنابراین هارتلند درون‌دادهای متفاوت و فراوانی را به سیستم سیاسی جهان می‌فرستد.
- ۸- هارتلند جدید علی‌رغم تضادها و تعارضات درونی حداقل از دو ویژگی مشترک برخوردار است. الف: هویت مشترک دینی و اسلامی به ویژه اینکه بر بخش مرکزی جهان اسلام تطبیق می‌نماید. ب: رشد تدریجی اندیشه و عمل تقابل با سیستم مداخله‌گر و نفی

سلطه قدرت جهانی. علی رغم تفاوت دیدگاهها و وجود شکاف در استراتژی و تاکتیک تقابل، مقاومت در برابر سلطه مزبور به عنوان یک رفتار مشترک از روند فزاینده‌ای برخوردار است. متقابلا سیستم سلطه نیز از همه ابزارها و روشها برای سرکوب مقاومت و گسترش تسلط خود بر هارتلند استفاده می‌نماید تا بتواند اقتدار و کنترل یکپارچه خود را بر فضای هارتلند جنوب غرب آسیا تثبیت کند؛

۹- هارتلند جدید به دلیل رشد خودآگاهی در زمینه‌های هویت دینی، ملی و مکانی از سویی و تشدید مداخله سیستم جهانی و بازیگران برون منطقه‌ای از سویی دیگر، به عنوان مظهر قلمرو جغرافیایی جهان اسلام در صف‌بندی جدید تقابل اسلام و غرب عمل می‌نماید و حساسیتها و شعور هویتی و احساس تقابل نه تنها لایه‌های اجتماعی و توده‌های مسلمان، بلکه در سطح سیاسی و حکومتی نیز روبه رشد می‌باشد. ادامه و توسعه این روند تضاد و تقابل بین اسلام و غرب، امنیت جهانی را آسیب‌پذیر می‌نماید؛

۱۰- هارتلند جدید به کانون خبری جهان تبدیل شده است و رسانه‌های بین‌المللی بخشی از خوراک خبری (تولید و توزیع خبر) خود را از درون فضای هارتلند برای مشتریان خود منتشر می‌نمایند. به طوریکه در مجموعه خبر روزانه آنها اخباری را از افغانستان، پاکستان، ایران، نفت خلیج فارس، عراق، فلسطین، اسرائیل و غیره می‌توان یافت.

در پایان ذکر این نکته ضرورت دارد که جهانی شدن نقش سیاسی هارتلند جنوب غرب آسیا نه تنها بر نگرش، سیاستها، برنامه‌ها و اقدامات بازیگران سطح جهانی (قدرتهای بزرگ، سازمان ملل و سایر سازمانهای بین‌المللی) نسبت به امور منطقه‌ای و جهانی تاثیر می‌گذارد بلکه این تاثیر متقابل بوده و هارتلند نیز تحت تاثیر الگوی سیاستها و اقدامات آنها قرار داشته و دچار بی‌ثباتی و نوعی دینامیسم سیاسی می‌باشد.

منابع

۱. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
2. Dikshit, R.D. (1995). Political Geography. New Delhi: Tata mcgraw-hill.
3. The Geographical journal (GJ), Vol.170, No4, Dec 2004.
- Mackinder, H.J. (1904). The Geographical Pirot of history. The Geographical journal, Vol. XXIII, NO4.